



agolbaf@gmail.com

تعاون روستایی و بانک کشاورزی دو بال توسعه پایدار کشاورزی را جدی بگیریم

خرید گندم توسط بازرگانی دولتی خلاف سیاستهای اصل ۴۴

می‌شد (حتی آرد روستایی) کالاهای مصرفی و نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز بیش از ۲۳ میلیون روستایی و کشاورز توسط همین شبکه‌ها صورت گرفته است. در حال حاضر نیز بیش از ۱۰ هزار فروشگاه مصرف، بیش از ۱۲۰۰ مرکز توزیع سوخت، ۲/۵ میلیون تن ظرفیت انباری، ۵۰۰۰ مرکز خرید محصولات کشاورزی در سطح ۵۷۲ هزار و ۲۰۰ روستا با امکانات سخت‌افزاری گسترده‌ای همراه با مدیریت منسجم این خدمات را انجام می‌دهند و مقامات محلی، روستاییان و مدیران استانی از جمله استانداران ۲۹ استان رضایت خود را از این امر اعلام کرده‌اند.

با توجه به ضرورت ایجاد اشتغال در روستاها، ماندگار کردن روستاییان و توسعه پایدار روستا، انتقال ساماندهی نظام توزیع به سازمان مرکزی تعاون روستایی و شبکه‌های تعاونی‌های تحت پوشش می‌تواند علاوه بر ایجاد اشتغال در بین اعضای تعاونی‌ها و روستاییان، به کاهش هزینه‌های توزیع به دلیل استفاده از نیروی کار روستایی و زیرساخت‌های تعاونی‌ها بینجامد.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد سازمان مرکزی تعاون روستایی با برخورداری از تنها شبکه گسترده و فعال توزیعی در سراسر روستاهای کشور و با حضور دایمی و برخورداری از ظرفیت‌های گسترده قانونی و سخت‌افزاری بتواند در تحقق اهداف طرح بزرگ تحول اقتصادی دولت به عنوان **بهترین مرجع پذیرش مسوولیت** ساماندهی نظام توزیع روستایی ایفای نقش نماید.

توسعه روستایی

بعد از انقلاب اسلامی زیرساخت‌های توسعه از جمله آسفالت کردن جاده‌ها، لوله‌کشی آب بهداشتی، برق و ... در روستاها به تحولات زیادی منجر شد. اما با تمام زحمات و برنامه‌ریزی‌ها همگان از توسعه اقتصادی در روستاها غافل ماندند یا دیگران برای روستاییان نسخه پیچیدند.

حال که صحبت از مهاجرت معکوس و ماندگار کردن روستاییان در روستاها و اشتغال مولد و توسعه پایدار روستاست، ضروری است براساس پتانسیل و توانمندی روستاها، برنامه توسعه اقتصادی بر روی قابلیت‌های بخش کشاورزی در مراکز تولید محصولات کشاورزی صورت بگیرد.

اذعان کنیم که روستاییان خود بهترین تصمیم‌سازان و معماران توسعه‌ی روستا هستند. روستاییان تعاونی‌های روستایی ایجاد کرده و خود مدیریت آنها را به عهده گرفته‌اند و از همین طریق دهها هزار مرکز خرید، مرکز فروش، مرکز نگهداری و ... را مدیریت می‌کنند.

همه‌ی امکانات توسعه اقتصادی و ساماندهی توزیع در شبکه‌های تعاونی تحت پوشش، اتحادیه‌ها و سازمان تعاون روستایی نهادینه شده و فعال است. لذا شایسته است با تفویض مسوولیت توسعه اقتصادی روستاهای کشور به سازمان مرکزی تعاون روستایی در برنامه پنجم، چرخه مدیریت برنامه‌ریزی تولید و توزیع را تکمیل نماییم.

در ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مقام معظم رهبری تاکید شده است امور اجرایی و مدیریتی فعالیت‌های اقتصادی از بخش دولتی به بخش غیردولتی با **اولویت بخش تعاون** واگذار شود. تا پیش از این مدیریت خرید گندم مازاد بر نیاز کشاورزان به عهده ۵۰۰۰ مرکز خرید محصولات کشاورزی شبکه‌های تعاونی روستایی و کشاورزی با ماموریت جمع‌آوری حتی یک کیسه گندم کشاورزان و نگهداری آن در انبارها و مراکز جمع‌آوری و سپس تحویل به سیلوها و از طرفی امکان پرداخت نقدی پول خرید گندم بود؛ اما متأسفانه به جای اینکه در اطاعت از ابلاغیه، شبکه‌های تعاون روستایی در این جهت حمایت شوند، **خلاف مفاد ابلاغیه، مسوولیت از تعاونی‌ها گرفته و به یک شرکت دولتی واگذار شد**؛ در حالی که این شرکت دولتی نه در ۵۷ هزار و ۲۰۰ روستا پایگاه دارد، نه امکان خرید گندم کشاورزان خرده مالک را دارد (و نه کشاورز خرده مالک توانایی دارد چند کیسه گندم خود را به سیلوها برده در آنجا به وزارت بازرگانی تحویل دهد).

در این صورت دلال‌های خرید گندم وارد میدان می‌شوند؛ یادمان باشد حدود نیم قرن است که کارمندان و مدیران شرکت‌های تعاون روستایی که خود از جنس روستاییان هستند، به طور متوسط در ده سال گذشته ۸۰ درصد کل گندم تولیدی مازاد بر نیاز کشاورزان (بین ۴ تا ۷/۵ میلیون تن در سال) را خریداری و جمع‌آوری و به سیلوها حمل می‌نمودند و سود آن نیز برای کشاورزان و تعاونی‌ها می‌ماند.

در تکمیل این کار، بانک کشاورزی به عنوان حامی کشاورزان، وجوه خرید گندم آنان را با شعبه‌هایی که در روستاها و شهرهای کوچک و در سازمان‌های جهاد کشاورزی دارد به روز پرداخت می‌کرد. این ارتباط به قدری تنگاتنگ بود که بسیاری از کشاورزان دسته چک یا دفترچه قرض‌الحسنه‌ی خود را نزد کارمند یا رییس باجه بانک کشاورزی می‌گذاشتند تا هر زمان نیاز داشتند مراجعه کنند. در حالی که بانک ملت و وزارت بازرگانی هرگز از عهده راضی کردن کشاورز بر نمی‌آیند.

صاحب‌نظران معتقدند با توجه به ابلاغیه یادشده، **تنها راه اصولی، بازگرداندن امر خرید به تعاون روستایی است.**

تفرق مدیریت در ساماندهی نظام توزیع روستایی

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: شبکه تعاونی‌های روستایی را به دلیل مردمی بودن آن در تولید و توزیع، یکی از نقاط برجسته **نظام اقتصادی** جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم.

از طرفی در این ابلاغیه بر واگذاری امور اجرایی، مالکیتی و مدیریتی، فعالیت‌های اقتصادی به بخش‌های غیردولتی به ویژه بخش تعاون تاکید شده است.

به نظر می‌رسد بهترین راه کار ساماندهی نظام توزیع روستایی این است که این نظام ساماندهی از طرح بزرگ تحول اقتصادی به سازمان‌های مرکزی تعاون روستایی ایران و شبکه تعاونی‌های تحت پوشش انتقال یابد؛ زیرا در ۵۰ سال گذشته، کلیه‌ی مواد خوراکی و مورد استفاده که از طریق کالا بزرگ توزیع